

در مهر ماه ۱۳۹۵ مدیریت پژوهشکده علوم شناختی تغییر یافت و به جای دکتر حسین استکی -- که از سال ۱۳۸۱ ریاست این پژوهشکده را برعهده داشت -- دکتر مجتبی زارعی به این سمت منصوب شد. نشریه اخبار طبق روال معمول خود که دیدگاه‌ها و برنامه‌های مدیران جدید پژوهشگاه را انعکاس می‌دهد، مصاحبه‌ای با دکتر زارعی انجام داده که متن آن را در اینجا می‌خوانید.

گفتگو با رئیس جدید پژوهشکده علوم شناختی

اخبار: لطفاً کمی از پیشینه خود بگویید.



مجتبی زارعی

زارعی: من در شیراز متولد شدم ولی چند ماه پس از تولدم، اعضای خانواده به تهران مهاجرت کردند. بنابراین، من تمام دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، و دبیرستان را در تهران گذراندم.

در سال ۱۳۶۲ تحصیل پزشکی را در دانشگاه علوم پزشکی شیراز آغاز کردم. پس از فارغ‌التحصیلی، در سال ۱۳۷۰ به دریافت بورس دانشجویان ممتاز از وزارت بهداشت نائل شدم و برای دوره دکتری علوم اعصاب به دانشگاه کینگز کالج لندن رفتم. آن زمان رشته‌ای به اسم علوم اعصاب در ایران نبود و حتی در اروپا هم تازه به عنوان یک رشته خاص در برخی دانشگاه‌ها دایر شده بود. کینگز کالج لندن اولین دانشگاهی بود که چنین رشته‌ای را در سطح کارشناسی ارشد و دکتری در انگلستان تأسیس کرده بود. من در بخش علوم اعصاب این دانشگاه ۴ سال با استفاده از روش‌های الکتروفیزیولوژی روی مغز موش مطالعه کردم. پروژه من در زمینه مطالعه پلاستیسیته کورتکس حسی حرکتی و همچنین پیوند کورتکس جنین موش به بافت کورتکس صدمه دیده مغز موش‌های بزرگسال بود. حاصل این کار در چند مقاله منتشر شد.

در پایان دوره دکتری علوم اعصاب قصد بازگشت به ایران را داشتیم، اما با اصرار و تشویق مرحوم دکتر اصلان ضرابی، عضو ارشد کالج سلطنتی روانپزشکان انگلستان و رئیس سابق انجمن روانپزشکان ایران دوره آموزش تخصص بالینی را در لندن پی گرفتیم. ابتدا ۴ سال دوره تخصصی بیماری‌های داخلی را در بیمارستان‌های لندن، ردینگ، کمبریج، و آکسفورد گذراندم و در

سال ۲۰۰۰ پس از موفقیت در امتحان کالج سلطنتی پزشکان انگلستان (بورد داخلی) به عضویت کالج در آمدم. بعد از آن ۴ سال دوره فوق تخصصی نورولوژی را در بیمارستان‌های منطقه بیرمنگام گذراندم. در سال ۲۰۰۲ موفق به اخذ بورس از وزارت بهداشت انگلستان شدم و در چارچوب برنامه پزشک پژوهشگر فعالیتیم را ادامه دادم. ابتدا استادیار بخش مغز و اعصاب دانشگاه بیرمنگام و در سال ۲۰۰۶ محقق ارشد (دانشیار) دانشگاه آکسفورد شدم. این دوره از لحاظ تقویت زمینه تحقیقاتی و برقراری ارتباطات بین‌المللی برای من بسیار پربار بود. پس از اتمام برنامه پزشک پژوهشگر در آکسفورد در سال ۲۰۱۱ عضو هیئت علمی دائم بیمارستان دانشگاهی ناتینگام شدم.

در سال ۱۳۹۲ به ایران بازگشتم و به عنوان استاد نورولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مشاور معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت مشغول به کار شدم. پس از چندی با تلاش فراوان مرکز ملی

متأسفانه امروز می‌بینیم که پژوهش‌های نظری، فلسفی، اجتماعی، و روانشناختی بخش کمی از حمایت‌های مالی از علوم‌شناختی در کشور را به خود اختصاص داده است. علت آن هم این است که این گونه مطالعات نظری جلوه فیزیکی جذابی ندارند ولی خرید دستگاه‌های پیچیده و درست کردن آزمایشگاه‌های پرزرق و برق نمایش خوبی در بین‌ها دارد.

نقشه‌برداری مغز را در دانشگاه تأسیس کردم اما با عدم حمایت رئیس بعدی دانشگاه و کارشناسی‌های متعدد مواجه شدم. در تابستان ۱۳۹۵ به دستور ریاست وقت دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده علوم و فناوری‌های پزشکی را در آن دانشگاه تأسیس کردم که الان مورد استفاده همکاران است. در مهر ماه نیز به دعوت دکتر لاریجانی مسئولیت پژوهشکده علوم شناختی را در پژوهشگاه پذیرفتم و فعلاً در این منصب در خدمتان هستم. همچنین اخیراً به عنوان عضو ارشد کالج سلطنتی پزشکان لندن^۱ انتخاب شدم.

اخبار: وضعیت و عملکرد علمی پژوهشکده علوم شناختی را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

زارعی: پژوهشکده علوم شناختی اولین نهاد تحقیقاتی در این رشته در کشور بوده است. در زمانی که هیچکس از علوم شناختی چیز زیادی نمی‌دانست، مرحوم دکتر کارو لوکس (متخصص مهندسی برق و کنترل) پرچم این رشته را در کشور بالا برد و به دنبال آن دیگران راه افتادند. به نظر اینجانب حرکت اولیه علوم شناختی در کشور را باید مدیون مهندسان، فلاسفه، و ریاضیدانان دانست. در آن زمان بیشتر مفاهیم نظری و ریاضی و هوش مصنوعی در نظر بود به طوری که نام پژوهشکده هم اصلاً پژوهشکده سیستم‌های هوشمند بود. در طول سالیان و مخصوصاً با ورود دکتر استکی، پژوهشکده به سوی علوم اعصاب شناختی متمایل شد. زحمات دکتر استکی و همکارانشان باعث شد تا پژوهشکده در سال ۲۰۰۸ به اوج بازدهی علمی خود از لحاظ کیفی برسد. اما با مهاجرت وی به آمریکا و عدم وجود مدیریت و رهبری مستقیم، پژوهشکده به تدریج افول کرده است. در حال حاضر ما مشکلات متعددی داریم که من در ۶ ماه اخیر در تلاش برای حل آنها بوده‌ام. برخی از این مشکلات مربوط به نظم و انضباط مالی، نظارت و راهنمایی دانشجویان، و کمبود وسایل تحقیقات آزمایشگاهی در داخل خود پژوهشکده است.

در حال حاضر در پژوهشکده ۲۷ دانشجوی دوره دکتری داریم. متوسط طول دوره دکتری بیش از ۴ سال است و برخی تا دو برابر این مدت را طی کرده اما همچنان فارغ‌التحصیل نشده‌اند، و این در حالی است که در سال ۱۳۹۵ دانشجوی نگرفتیم و در سال ۱۳۹۶ هم نخواهیم گرفت. عوامل متعددی در طولانی شدن دوره دکتری در پژوهشکده دخیل هستند که به نظر من اجباری بودن واحدهایی که الزاماً به درد طرح تحقیقاتی دانشجو نمی‌خورد و مهم‌تر از آن عدم وجود نظارت دقیق بر کار دانشجو در چند سال اخیر نمونه‌هایی از آنها هستند.

مسئله دیگر، محدودیت تجهیزات موجود در آزمایشگاه‌هاست. برخی دستگاه‌ها قدیمی شده‌اند و با توجه به پیشرفت علوم اعصاب نیاز به دستگاه‌های جدید و پیچیده‌تری داریم. سیاست پژوهشگاه، تجمع آزمایشگاه‌ها و ابزارهای پژوهشکده در ساختمان باغ لارک است.

اخبار: وضع فعلی کادر علمی پژوهشکده را چطور می‌بینید؟

1. Royal College of Physicians of London

زارعی: شاید بزرگترین مشکل پژوهشکده، عدم وجود هیئت علمی دائم باشد. برخی از پژوهشکده‌های دیگر پژوهشگاه ۵ عضو هیئت علمی دائم و ۲۰-۳۰ محقق پسادکتری دارند. اما محققان ارشد پژوهشکده ما همه از دیگر دانشگاه‌ها می‌آیند و تقریباً هیچکدام بیش از یک روز در هفته در پژوهشکده وقت صرف نمی‌کنند. با چنین وضعیتی نمی‌توان بر دانشجو و یا محقق پسادکتری نظارت داشت، حال آنکه مخصوصاً کارهای آزمایشگاهی دقیق مثل الکتروفیزیولوژی مغز نیاز به نظارت بیشتری دارد.

وقتی که من مسئولیت پژوهشکده را به عهده گرفتم فقط ۴ محقق پسادکتری داشتیم. با سابقه‌ترین آنها اخیراً به پایان دوره ۲ ساله خود رسید. متأسفانه جذب محققان پسادکتری خیلی دیر شروع شده است. در نیمه دوم امسال ۶ محقق پسادکتری جدید جذب کردیم. انشاءالله سال آینده هم ۶ نفر دیگر جذب می‌کنیم.

مشکلات دیگر، پیچیدگی قضاوت در مورد عملکرد محققان، تاریخ شروع و پایان طرح‌ها، بودجه‌ای که باید به طرح‌ها اختصاص داده شود، ظرفیت جذب محققان پسادکتری، و بازده علمی تیم‌های تحقیقاتی است. به این دلایل و اینکه پروژه‌های تحقیقاتی فعلی بیش از ۴ سال از زمان شروعشان می‌گذرد، از سال ۱۳۹۶ فقط طرح‌های جدیدی که مستقلاً داوری شده و زمان معین و هدف معین داشته باشند مورد حمایت قرار خواهد گرفت. به این ترتیب، سیستم را نظام‌مند و شفاف خواهیم کرد و هر امتیازی فقط بر اساس شایسته‌سالاری و در یک محیط رقابتی به محققان اعطا خواهد شد.

اخبار: نقش پژوهشکده را در پیشبرد علوم شناختی در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زارعی: نقش پژوهشکده علوم شناختی در پیشبرد علوم شناختی در کشور بسیار مهم بوده است. همان طور که گفتم، علوم شناختی در ایران از اینجا آغاز شده و این پژوهشکده انشاءالله همچنان رهبری این علم را در کشور به دست خواهد داشت. بنابراین پژوهشکده در مورد هدایت این علم و تبیین استانداردها در سطح کشور مسئول است. در سال‌های اخیر علوم شناختی دچار انحرافات شده که نیاز به توجه دارد. آنچه بنیانگذارانی مثل دکتر لوکس از علوم شناختی در ذهن داشتند، چیزی نبود که امروز در برخی مراکز علوم شناختی کشور مشاهده می‌کنیم. در طول زمان، مهندسان علاقه‌مند به علوم شناختی متوجه شدند که بسیاری از کارهای اساسی در علوم شناختی مربوط به علوم اعصاب شناختی است و مطالعات مدل‌سازی

شدت از زمینه تحقیقاتی مورد علاقه رئیس پژوهشکده تأثیر گرفته است و این به دو علت است، اولاً دانشجویان فکر می‌کنند که اگر با رئیس کار کنند مورد توجه بیشتری خواهند بود و احتمالاً سریعتر پیشرفت می‌کنند و ثانیاً بعضی رؤسا طوری رفتار می‌کنند که محققان مجبور به کار در حیطه مورد علاقه آنها باشند. هر دوی اینها به نظر من غلط است، چرا که پژوهشکده یک گروه تحقیقاتی و یا یک آزمایشگاه نیست و رئیس پژوهشکده موظف به ایجاد فضای آزاد، حمایت لازم، و راهنمایی کافی برای پیشرفت همه زمینه‌های علمی در پژوهشکده است. البته این کار ساده نیست. به علاوه گاهی می‌بینیم که پژوهشکده‌ای به دلایلی سیاست اصلی خود را حمایت خاص از یک زمینه تحقیقاتی ویژه تعیین می‌کند. مثلاً در حال حاضر نقشه برداری مغز و فناوری‌های مربوطه برای ریاست پژوهشگاه اولویت خاصی دارد و بر روی آن سرمایه‌گذاری کلانی می‌شود. اما اصولاً رئیس پژوهشکده باید حداکثر سعی خود را بکند تا زمینه‌های مختلف در پژوهشکده رشد کند.

اخبار: چه ایده‌ها و طرح‌هایی برای پیشبرد علمی پژوهشکده دارید؟

زارعی: من برنامه‌های مفصلی برای پژوهشکده دارم که به اذن حق تعالی و با حمایت و همکاری اولیاء پژوهشگاه مرحله به مرحله اجرا خواهم کرد. هدف من در اولین فاز، بازگشت نظم، قانون، و رفتار آکادمیک به پژوهشکده است. این امر نه تنها مستقیماً در عملکرد محققان و دانشجویان تأثیر می‌گذارد بلکه اداره امور را نیز بهبود می‌بخشد، و سپس

۱. سر و سامان دادن به وضعیت تحصیلی دانشجویان در جهت اتمام به موقع دوره دکتری آنها؛
 ۲. تجمیع آزمایشگاه‌ها، به صورتی که همه ابزارها، دستگاه‌ها، و پرسنل در ساختمان علوم شناختی باغ لارک متمرکز شوند؛
 ۳. گسترش فضای فیزیکی در ساختمان باغ لارک جهت گسترش آزمایشگاه‌ها و بهبود فضای پرسنلی؛
 ۴. جذب محققانی برای عضویت در هیئت علمی ثابت پژوهشکده مخصوصاً از میان دانشمندان ایرانی مقیم خارج از کشور که کارنامه علمی برتری دارند؛
 ۵. افزایش ظرفیت پسادکتری در زمینه‌های مختلف بر حسب نیاز علمی پژوهشکده؛
 ۶. ایجاد آزمایشگاه‌های نقشه برداری مغز شامل ام‌آر‌آی، مگنتوانسفالوگرافی، تحریک مغز، اسکن نوری مغز، الکتروانسفالوگرافی با رزولوشن بالا، آزمایشگاه سایکوفیزیک، و غیره؛
 ۷. افزایش تعداد آزمایشگاه‌های الکتروفیز یولوژی میمون و موش صحرایی؛
 ۸. ایجاد آزمایشگاه‌های بافت‌شناسی، و مطالعات سلولی-مولکولی.
- که این کارها، انشاءالله، طی ۲-۳ سال آینده انجام خواهد شد. ■

و نظری جلوه کمتری در میدان علم دارد. حتی بعدها که ستاد علوم شناختی تأسیس شد، گرچه توسط مهندسان، فلاسفه، و روانشناسان ایجاد شد اما ستاد به سرعت متوجه شد که بیشترین طرح‌های تحقیقاتی که به اسم علوم شناختی ارائه می‌شود در حقیقت در حیطه علوم اعصاب است. محققان علوم اعصاب که در علوم شناختی کار نمی‌کردند، یک شبه محقق علوم شناختی شدند تا به این وسیله بتوانند از سرمایه‌گذاری ستاد استفاده کنند. از طرف دیگر، متأسفانه امروز می‌بینیم که پژوهش‌های نظری، فلسفی، اجتماعی و روانشناختی بخش کمی از حمایت‌های مالی علوم شناختی در کشور را به خود اختصاص داده است. علت آن هم این است که رفتارهای نمایشی در علوم شناختی رسوخ کرده است. مطالعات نظری و روانشناختی جلوه فیزیکی جذابی ندارند ولی خرید دستگاه‌های پیچیده و درست کردن آزمایشگاه‌های پرزرق و برق نمایش خوبی جلو دوربین‌ها برای ملت و دولت دارد. امروز شما می‌بینید که جراح مغز و اعصاب، روانپزشک، نورولوژیست، کاردرمانگر، آناتومیست و یا فیزیوتراپست را می‌آورند جلو دوربین و به عنوان متخصص علوم شناختی معرفی می‌کنند در حالی که اسمی از فلاسفه، ریاضیدانان، و روانشناسان نیست. البته شاید برخی از مسئولان این را یک پدیده مبارک بدانند و آن را به حساب سیاست‌های تشویقی خود بگذارند اما از دیدگاه من این فرصت‌طلبی در علم است چرا که ایده و علاقه علمی واقعی چیزی نیست که بتوان آن را با پول خریداری کرد. به نظر اینجانب اینها انحرافات است که امروز علوم شناختی دچار آن شده است و ما وظیفه تصحیح آن را داریم.

البته شما می‌توانید بگویید تحولاتی هم در طول زمان در پژوهشکده علوم شناختی اتفاق افتاده است اما اگر دقت کنید می‌بینید این تحولات بر اساس تغییر رهبری در پژوهشکده بوده است. یعنی مثلاً وقتی دکتر استکی ریاست پژوهشکده را به دست گرفت برای اینکه پژوهشکده را به سوی علوم اعصاب شناختی ببرد، برنامه داشت و در طول سالیان در این زمینه دانش و تجربه کسب کرده بود. برای همین است که ما می‌بینیم در عرض چند سال آزمایشگاه‌های علوم اعصاب پژوهشکده علوم شناختی تأسیس شده و به بهترین مرکز تحقیقات الکتروفیز یولوژی علوم اعصاب در کشور تبدیل شده است.

اخبار: چنانکه اشاره شد، پژوهشکده علوم شناختی تاریخچه پر تحولی داشته است و هر یک از رؤسای پژوهشکده زمینه علمی آن را به سوی زمینه مورد علاقه خود سوق دادند. خط مشی شما در مدیریت علمی چگونه خواهد بود؟

زارعی: درست است، زمینه تحقیقاتی پژوهشکده در طول سالیان به

زمینه تحقیقاتی این پژوهشکده در طول سالیان به شدت از زمینه تحقیقاتی مورد علاقه رئیس پژوهشکده تأثیر گرفته است ... ولی به نظر من، پژوهشکده یک گروه تحقیقاتی و یک آزمایشگاه نیست و رئیس پژوهشکده موظف به ایجاد فضای آزاد، حمایت لازم، و راهنمایی کافی برای پیشبرد همه زمینه‌های علمی مرتبط با اهداف پژوهشکده است.